

منابع خاک خورده نفت

منابع خاک خورده نفت

گروه گزارش: پیدا کردن منابع تاریخی و سیاسی برای تحلیل و خوانش تاریخ نفت ایران، به اندازه دیگر شاخه‌های تاریخ سیاسی معاصر نیست و اسناد و کتب کمتری در این باره وجود دارد که کار محققان را سخت و بعضاً تکراری می‌کند. کتاب‌های مرسوم از جمله خواب آشفته‌ای نفت اثر موحد، پنجاه سال نفت اثر مصطفی فاتح، بحران نفت در ایران اثر پرواند آبراهامیان، تاریخ نفت ایران اثر محمد حسن نیا، تاریخ جامع ملی شدن نفت اثر احمد خلیل الله مقدم و... در کنار اسناد تاریخی آزاد شده منابع مهمی هستند که می‌تواند روند تحقیق در این باره را تسهیل بخشد، اما در کنار این منابع، اثری مهم اما با رویکرد سیاسی نیز وجود دارد که نه بطور خاص درباره نفت اما با اشاراتی در این مورد، جز پازل‌های قابل توجه تاریخ نفت ایران است، اثری به نام تاریخ شفاهی هاروارد!

این مجموعه که با بیش از ۱۰۰ نفر به گفتگو نشسته است، صحبت‌های ناگفته و جالبی نیز درباره نفت دارد.

بررسی این پروژه از نظر بیوگرافی برای عموم آشناست و گفتن دوباره از حبیب الله لاجوردی و تیم او تکرار مکررات است اما اشاره به برخی قسمت‌های آن که درباره نفت نیز گفت و شنودهایی دارد، برای ارائه یک منبع قابل تأمل مفید است و در ادامه به تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم:

مصاحبه عباس غفاری با فرخ غفاری

به تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۸۴

عباس غفاری سرپرست دفتر شرکت ملی ایران در آمریکا از ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۷ است. وی از دوران استخدام در شرکت ملی نفت، سیاست‌های استخدامی شرکت نفت، تحصیلات مدیران نفتی ایران در آن سال‌ها، بورس‌های تحصیلی شرکت ملی نفت، فعالیت سیاسی دانشجویان دارای بورس تحصیلی نفت، روابط بین شرکت نفت ایران و دیگر کشورها و تصدی دفتر شرکت ملی نفت در نیویورک توسط نیروهای انقلابی در خاطرات خود با پروژه هاروارد صحبت می‌کند.

مصاحبه مصباح جالینوس با ولی رضا نصر

به تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۸۹

مصباح جالینوس مدیر پخش و فروش داخلی شرکت ملی نفت ایران و عضو هیأت مدیره شرکت ملی نفت در سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۸ است. وی در گفتگو خود با پروژه تاریخ شفاهی درباره ساختار و عملکرد شرکت ملی نفت ایران، شیوه اداره شرکت ملی نفت و خاطراتی از دوران فروش گران قیمت نفت ایران پس از پایان کنسرسیوم در این مصاحبه صحبت می‌کند.

به تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۸۴

شمس الدین جزایری سیاستمدار و عضو کابینه رزم آرا در خاطرات خود طی این گفتگو درباره پیشنهادهای شرکت نفت ایران و انگلیس درباره تجدید نظر در قراردادهای گفتگو با شاه و امینی درباره نفت، ناتوانی رزم آرا در حل بحران نفت و سالهای کودتا ۲۸ مرداد و ملی شدن صنعت نفت خاطراتی نقل می‌کند.

مصاحبه آقاخان بختیار با شوشا عصار

به تاریخ دسامبر ۱۹۸۵

آقاخان بختیار نماینده مجلس شورای ملی، وزیرکار و عضو هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران در سالهای ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۷ است. وی در خاطرات خود طی این مصاحبه درباره منابع دولت در حوزه نفتی خوزستان، فعالیت در شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم نفت صحبت می‌کند.

مصاحبه احمد مهبد با حبیب لاجوردی

به تاریخ ۲۸ آوریل ۱۹۸۵

احمد مهبد مشاور شاه در امور نفت ایران است که در خاطرات خود از دوران ملی شدن صنعت نفت تا دوران مذاکرات کنسرسیوم و گفتگوها با شاه و دیگر مسئولین کشور در آن سالها صحبت می‌کند.

مصاحبه حسین نزیه با ضیا صدقی

به تاریخ ۳ آوریل ۱۹۸۴

حسن نزیه حقوقدان و وکیل دادگستری (زاده ۱۳۰۰ تبریز - درگذشته ۲۴ شهریور ۱۳۹۱ پاریس) بعد از وقوع انقلاب اسلامی سال ۵۷ به عنوان اولین رئیس کانون وکلای مرکز انتخاب شد. حسن نزیه سیاستمدار، حقوقدان و مدیر اجرایی ایرانی بود، که از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۸ در دولت موقت، به عنوان مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران (۸۰-۱۹۷۹) فعالیت می‌کرد.

وی دانش‌آموخته کارشناسی حقوق از دانشگاه تهران بود و از مؤسسان نهضت مقاومت ملی ایران به شمار می‌آمد، همچنین از اعضای مؤسس نهضت آزادی نیز محسوب می‌شود. نزیه ۴ دوره نیز عضویت هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری ایران را برعهده داشت. پس از

انقلاب به ریاست شرکت ملی نفت ایران منصوب شد اما کمتر از یکسال بعد به علت تضاد و اختلاف با برخی نیروهای انقلابی و کارگران شرکت نفت ناچار به استعفا و سپس فرار از ایران شد.

مصاحبه ابوالقاسم خردجو با ضیا صدیقی

به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۸۴

ابوالقاسم خردجو طبق اطلاعات تاریخ شفاهی هاروارد عضو بانک ملی و مدیر عامل بانک توسعه و صنعت است که در خاطرات خود به اقدامات شرکت ملی نفت در پیوند با سازمان برنامه می‌پردازد. خردجو در سابقه خود عضویت در هیأت خلع ید در آبادان را نیز دارد. ابوالقاسم خردجو (۱۲۹۴-۱۳۶۵) از مدیران بانکی ایرانی بود. وی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷ مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بود. تحت رهبری او، این بانک بیشتر سرمایه خود را از بازارهای بین‌المللی جذب می‌کرد. او همچنین نایب رئیس صندوق معادن ایران بود.

خردجو در سال ۱۲۹۴ در یک خانواده مذهبی و بازاری در اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون، دانشسرای عالی و مدرسه اقتصاد لندن در حسابداری انجام دادند. در دوره نخست وزیری محمد مصدق، به همراه هیأت خلع ید به آبادان اعزام شدند و یک سال به عنوان کارشناس خبره مالی در شرکت نفت مشغول بودند. پس از کودتای ۱۳۳۲ در دوره ریاست ابوالحسن ابتهاج به مدت یک سال در سازمان برنامه و بودجه کار کردند و سپس دوباره در شرکت نفت مشغول به کار کردند. از پاییز سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۳۹ در بانک جهانی در واشینگتن کار کردند. پس از تأسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ قرارداد خیلی از مدیران و رؤسای ادارات بانک که خارجی بودند در سال ۱۳۳۹ تمام شد سازمان برنامه از خردجو دعوت کردند مدیریت بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران را بر عهده بگیرد. ایشان با پذیرفتن این دعوت یک تیم تکنوکرات و متخصص تشکیل داد تا ۱۳۵۷ این منصب را بر عهده داشتند. ایشان درگیر سیاست نبودند و علاقه ایشان توسعه صنعتی بود. ایشان بر این باور بودند که بالا بردن سطح زندگی، رفاه اجتماعی و بهبود وضع اقتصادی مردم منجر به افزایش آگاهی آنها می‌شود. او به شیوه حکومت محمدرضا شاه انتقاد داشت. خردجو همچنین منتقد جمشید آموزگار بود که در دوره نخست وزیری او نارضایتی‌ها از کنترل خارج شدند. او آموزگار را به خاطر نداشتن بینش سرزنش می‌کرد. به اعتقاد او آموزگار هر مقداری را صرف خریدهای نظامی می‌کرد ولی با وجود منابع گسترده نفتی اصرار به مالیات گرفتن از فقرا داشتند که نارضایتی ایجاد می‌کردند و این

سیاست‌ها نهایتاً به انقلاب انجامید. خردجو دستگیر نشدن ایشان بعد از انقلاب را مرهون دوستش با آقای بازرگان می‌دانستند. ایشان از طریق قاچاقچی‌ها از مرز ترکیه فرار کردند و در تابستان ۱۳۶۵ در واشینگتن در گذشتند و در همان‌جا مدفون شدند.

بنا بر اسناد سفارت بریتانیا در سال‌های دهه ۴۰ «مهدی سمیعی در مقام ریاست بانک مرکزی ایران، علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد، ابوالقاسم خردجو در سمت رئیس بانک صنعتی معدنی و صفی اصفیا در جایگاه رئیس سازمان برنامه و بودجه هماهنگی حیرت‌انگیزی را از خود به نمایش گذاشتند». همگان وی او را یکی از درستکارترین، موشکاف‌ترین، باوجدان‌ترین و آگاه‌ترین مدیران امور مالی نسل خود می‌دانستند.

مصاحبه حمید قاجار با حبیب لاجرودی

زبان انگلیسی

به تاریخ ۲۶ نوامبر ۱۹۸۱

حمید قاجار طبق اطلاعات مندرج در تاریخ شفاهی هاروارد آخرین شاهزاده قجری بود که از سوی انگلیس به عنوان عضو کنسرسیوم نفت ایران فعالیت می‌کردند. در سال ۱۹۵۷، حمید قاجار به ایران برگشتند و چهارده سال شغل‌های گوناگونی را در کنسرسیوم نفت به عهده گرفتند. در این مدت، با خلیات ایرانیان برای اولین بار آشنا شدند. البته این خلیات را دیوید دروماند شخصاً تجربه کردند. به طور کلی می‌توان گفت که ایران، اثرخوبی در روحیه انگلیسی وی نداشتند. آنچه چهره ایرانیان را در چشم دروماند سیاه کرد، فساد بود، فساد همه‌گیر و بازکننده چشم و گوش هر آدم بی‌خبری که وی آن را در کلیه سطوح کنسرسیوم نفت مشاهده کرد. چون دروماند در محیط باز و بی‌تعارف نیروی دریایی بریتانیا به قول خودش پرورش یافته بودند، به رک‌گویی متمایل بودند. بنابراین وی از اظهار آرا و عقاید تند خود با عبارات پوست‌کنده پرهیز نمی‌کردند. چنان‌که حتی گاهی درباره آلودگی شخص اول مملکت نیز بی‌پروا حرف‌هایی می‌زدند. از این‌رو است که در «اداره اطلاعات شهربانی» بازجویی شدند. دروماند تزویر و ریاکاری را از صفات بارز مقامات ایرانی می‌دانستند. پس از بازگشت «سلطان حمید قاجار»، به ایران، وی با تعدادی از قوم و خویش‌های قاجاری خود، که در ایران مانده بودند، تماس پیدا کردند. او در این برخوردها، با آنان احساس بیگانگی می‌کردند. در این ملاقات‌ها تفاوت‌هایی میان دیوید دروماند فرنگ پرورده و قاجارهای در ایران مانده به خوبی روشن و آشکار بود. ندانستن فارسی هم بیشتر او را از آنها جدا می‌ساخت. به قول ایشان: «تقریباً همه آنها مشغول

کاری بودند که مردم آن را معمولاً در ایران انجام می‌دادند، در حالی که من با کنسرسیوم بین‌المللی به طور عادی همکاری می‌کردم». از این جمله معلوم است که دروماند قاجار به دو نوع کار قائل است: کار «ایرانی» و کار «فرنگی». کار ایرانی گویا غیرعادی است و همراه با فساد که با پارتی‌بازی و رشوه پیش می‌رود، در صورتی که کار فرنگی کاری است به هنجار که در محیط سالم با روش‌های صحیح و مصون از نفوذ افراد ذی‌نفوذ انجام می‌شود. شاید برای خواننده موجب تعجب باشد که دروماند قاجار محیط کار فاسد ایران را به مدت چهارده سال تحمل کرده و در تمام این مدت زبان فارسی را هم یاد نگرفته است. در کنار تاریخ شفاهی هاروارد؛ کتاب‌ها و مقالات بسیاری نیز برای تحقیق در رابطه با نفت وجود دارد. دنیای پنهان نفت- نفت و هژمونیسم آمریکا- انرژی، نفت، آینده- خون و نفت و..... در حوزه تصویری نیز مستند «نفت سیاه»، «بازی تاج و نفت»، «خیالتان نفت»، «زندگی نفت» ساخته فرخ غفاری، «نفت، بلا یا برکت»، «سفر نفت»، «نفت و شکلات»، «سیاره نفت»، «حکومت سیاه»، «نفت و آواز» و «دکتر مصدق و ملی شدن نفت» بخشی از مجموعه تصویری تاریخ نفت است.